

۸ مارس از نگاه طبقه کارگر

جوآنمیرمردی

هفدهم اسفند ماه هشتاد و شش

ایده تعیین روزی بعنوان روز جهانی زن اولین بار توسط اعضای حزب سوسیالیست آمریکا مطرح شده و بمدت چند سال در این کشور آخرین یکشنبه ماه فوریه بعنوان روز زن جشن گرفته میشد. تکرار هر ساله برگزاری این مراسم کلارا زتکین زن سوسیالیست آلمانی را بر آن داشت تا پیشنهاد تعیین روزی را بعنوان روز جهانی زن در یکی از کنگره های انترناسیونال مطرح کند.

۸ مارس به خاطر تظاهرات عظیم زنان کارگر نساجی و پارچه بافی شهر نیویورک آمریکا برای افزایش دستمزد و پائین آوردن ساعات کار در سال ۱۸۵۷ توسط پلیس وحشیانه در هم شکسته شد و شمار زیادی دستگیر و زندانی و بسیاری هم زخمی و کشته شدند، انتخاب چنین روزی به عنوان روز جهانی زن به دلیل گرامیداشت خاطره فداکاری و مبارزه آن زنان در روز ۸ مارس بود.

اولین تجمعات عظیم زنان در سالهای ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ در تقابل با شروع جنگ جهانی اول بود سال ۱۹۱۷ در روسیه نیز تظاهراتهای بزرگی بمناسبت ۸ مارس براه افتاد. در این راهپیمایی که توسط آکساندرا کولونتای و کلارا زتکین سازمان داده شده بود، زنان با شعار صلح و نان بمیدان آمدند، همچنین در این روز و مراسمهای سالهای بعد از آن نیز زنان اروپا و آمریکا وسیعا از ۸ مارس استفاده کرده و برای بدست آوردن حق رای و تحقق دیگر مطالبات خود مبارزه کرده اند.

با مروری کوتاه بر تاریخچه روز جهانی زن براحتمی می توان فهمید که اساس شکل گیری روز زن چه بوده و چرا آن روزه این نام تعیین شده است؟ همانگونه که از مختصر تاریخچه آشکار است در این روز زنان کارگر در اعتراض به پایین بودن دستمزد و طولانی بودن ساعات کار به اعتراض برخاسته اند. حقیقتی که امروز نیز همچنان ادامه دارد! در آن زمان کارخانه داران و کارفرمایان از وجود زنان کارگر سواستفاده می کردند و نیرویشان را به خاطر زن بودن درازای پرداخت حقوق ناچیزی نسبت به مردان کارگر به کار می گرفتند. زنان کارگری که یا خود به تنهایی سرپرست و نان آور خانواده بودند یا در تامین هزینه زندگی کمک حال شوهرانشان بودند اما به علت زن بودن باید تن به تحمل سختیها و حقارتهای بیشتری می دادند که بر مردان کارگر روا نبود. تفکر جداسازی زنان از مردان و ایجاد تبعیض میان آنان که میراث نظامهای طبقاتی پیشین به منظور محروم ساختن آنان از حق مالکیت بوده، اکنون نظام سرمایه داری آن را صیقل و لعاب زده و به سنتی برای تسهیل استثمار شدیدتر طبقه کارگر تبدیل کرده. نیمی از طبقه کارگر یعنی زنان کارگر همیشه به عنوان لشکر ذخیره کار در دسترس سرمایه داری قرار دارد و هر زمان نیاز داشته باشد با پرداخت دستمزد کمتر جایگزین نیروی کار مردان می کند.

تا اینجا مختصری بود از نگاه سرمایه داری و شیوه برخورد صاحبان سرمایه به زنان کارگر یعنی زنانی که یا به دلیل

ناچاری از تامین گذران زندگی خود و فرزندانشان مجبور به یافتن کار شده اند یا با شکستن قفل و زنجیرهای تفکرات سنتی و زن ستیزی از چهار دیواری خانه خود را رها کرده و به میدان کار راه یافته اند. اما بخش بسیار بزرگتری از زنان هنوز در حصار خانه مانده اند و مانند کارگران خدماتی بی آنکه مزدی دریافت کنند مشغول کارند. این زنان در ظاهر به تربیت کردن بچه های خود مشغولند یا دارند به شوهر و شریک زندگی خود خدمت می کنند. ولی واقعیتی که همچنان از سوی سرمایه داری تلاش می شود پنهان بماند چیز دیگری است. چون نمی خواهد با آشکار شدن حقیقت منافعتش به خطر بیافتد و از میزان سودش کاسته شود. حقیقت آن است که زن خانه دار از نیروی کار پرستاری می کند که بتواند بیشتر به صاحب کار سود برساند. وظیفه پرستاری و امکان تجدید قوای کارگر به عهده کارفرما است، کارفرما باید به کارگرش حداقل مبلغی به عنوان دستمزد بدهد که بتواند علاوه بر سیر کردن شکمش از امکانات دیگر مانند مسکن و بهداشت برای تجدید قوا استفاده کند. و این هزینه هائی هستند که نظامهای حاکم بر کشورهایمانند ایران از تقبل آن سر باز زده اند و با خانه نشین کردن زنان، بخصوص زنان کارگر را به کلفت خانه تبدیل کرده اند. نیمی از جامعه را از حق داشتن زندگی محروم کرده و در مقام صدقه خور مرد قرار داده اند در حالیکه زن و مرد کارگر هر دو دارند به یک سیستم خدمت می کنند و صاحب کار در ازای خدمت آنها فقط به یک نفرشان یعنی به مرد دستمزد میدهد، در نتیجه مرد باید هزینه زندگی زنش را از حقوق خود بپردازد و حقوقی که باید به زن پرداخت شود به جیب کارفرما می رود. امروزه در کشورهای غربی به یمن مبارزات طولانی و مستمری که طبقه کارگر کرده است نظامهای سرمایه داری ناچار شده اند بسیاری از حقوق انسانها بویژه زنان را برسمیت بشناسند و از آنجمله حقوق اقتصادی است. در اروپا زن از نظر درآمد و تامین زندگی مادی وابسته و چشم براه مرد نیست و خود را شریک حقوقی که مرد کارگر سر ماه می گیرد نمی داند بلکه خود را دارای حق مستقل میداند و با استفاده از حقوق خود در بهتر اداره کردن امور خانه با شریک زندگیش سهیم می شود.

ضدیت نظامهای طبقاتی با زن کاملاً از زاویه منافع مادی و حراست از مالکیت خصوصی است که در تملک مرد قرار دارد و این بلایی مضائف برای زندگی کارگران شده است. زن ستیزی باید قبل از هر چیز از جانب نظام حاکم تنوریزه شود و در مقابل مرد سالاری به عنوان رکنی از ارکان نظام طبقاتی تقدیس گردد تا زمینه های اجتماعی آن مهیا گردد، باید پذیرفته شود که زن انسان درجه دوم، زیر دست، ضعیف و ناتوان است، باید حقوق اجتماعیش نادیده گرفته شود تا بتوان حقوق اقتصادی و حق مالکیتش را که اصلی ترین هدف برای نظام طبقاتی است از او سلب کرد. تفکرات ضد زن رایج در بسیاری از جوامع نتیجه آن تلاش نظام طبقاتی است که اکنون در اعمال بی حقوقی بر زن در دسرش کمتر است. نظام سرمایه داری وقتی که با زن و حقوق او در می افتد و به ضدیت می پردازد تنها زنان کارگر نیستند که در مقابلش قرار می گیرند، بلکه زن به طور کلی از هر طبقه و قشری را هدف تعرض خود می گیرد. به همین خاطر زنان کارگری که برای اولین بار در امریکا در مقابل سرمایه داری ایستادند خود بخود به نمایندگی از کلیه زنان در سراسر جهان به جنگ به مصاف آن رفتند. زنان معترض با به مصاف کشیدن طبقه حاکم ضدیت آن را با زن به طور کلی که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهد آشکار ساختند و ذهن زنان را فارغ از تعلق طبقاتیشان متوجه زن ستیزی نظامهای طبقاتی کردند. علت آنکه آن روز خونین بعدها روز جهانی زن به طور کلی نام گرفت و نه تنها روز جهانی زن کارگر، همان است که سرمایه داری فقط طبقه کارگر و اکثریت انسانهای

زحمت کش را به اسارت نکشانده بلکه اکثریت بشریت را توسط اقلیتی از حقوق انسانی محروم کرده است و آن واقعه سر فصلی تازه برای دفاع از انسانیت به طور کلی باز کرد از آنرو است که زنان به تنگ آمده از زنجیر اسارت سرمایه داری و کلیه کسانی که از فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده مردسالاری رنج می برند این روز را ارج می نهند و به عنوان حلقه واسطی برای رسیدن به حقوق انسانیشان به آن وصل می شوند.

روز جهانی زن یاد آور مبارزه بخشی از طبقه کارگری یعنی زنان کارگر امریکاست در برابر نظامی که بانی همه نا برابر یهای، طبقاتی، جنسی، نژادی، قومی و مذهبی است. بنابراین همه انسانهایی که از هرگونه نابرابری و تبعیضی به ستوه آمده اند و در رأس آنها طبقه کارگر است که باید روز جهانی زن را متعلق به خود بدانند و پرچمش دردستان زنان و مردان آن به اهتزاز درآید.

روز جهانی زن توسط زنان طبقه ما خلق شده است ، همچنانکه روز جهانی کارگر توسط هم طبقه ایهای ما خلق گردید . هر یک از این روزها حلقه ای است از زنجیر به هم پیوسته مبارزات جهانی طبقه کارگر. گرامیداشت روز زن دفاع از حقوق انسانی همه انسانهاست و مبارزه برای اعاده حقوق از دست رفته مردان کارگر نه تنها نفعی در نقض حقوق زن ندارند بلکه خود کسانی هستند که مستقیماً به خاطر نادیده گرفته شدن حقوق زن متضرر و آسیب می بینند . واضح ترین ضرر از نادیده گرفتن حقوق زن توسط سرمایه داری به ویژه در ایران علاوه بر آنکه نیمی از طبقه کارگر که خود زنان کارگر هستند ، مردان کارگر را هم شامل می شود به حساب نیابردن حق همسر است . با نگاهی اجمالی به فیش حقوق هر کارگری می شود فهمید که همسر کارگر به عنوان انسانی که نیازهای انسانی دارد به حساب نیامده است . این یعنی همسر مرد کارگر هیچ حقی از جامعه طلبکار نیست و برای ادامه حیاتش ناچار است شریک درآمد ناچیز شوهرش شود.

روز جهانی زن بیش از هر انسان آزادیخواه و برابری طلبی به ما کارگران تعلق دارد و وظیفه ما است که آنرا به مثابه روز مبارزه با نا برابری گرامی بداریم.

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

جوانمیر مرادی

سایت اتحاد

www.ettehade.net